نکته‌هایی از سفر رئیس جمهور چین به عربستان و برداشت‌های نادرست از آن

پاسداشت منافع ملی؛ استراتژی تغییرناپذیر دولت سیزدهم

AP

اعتراض به اقدام چین، انتقادی صحیح، منطقی و اعلام شده از سوی دولتمردانی است که بر سر منافع و تمامیت ارضی ایران با کسی تعارف ندارند. مغالطه در این زمینه و مواضع متناقض درباره آن امانه نشانه نگرانی برای کشور که در مسیر کینه‌ورزی علیه دولتی است که کیمیای سعادت را در رابطه‌ای متوازن با جهان می‌داند. «شی جین پینگ»، رئیس جمهور چین، شامگاه چهارشنبه-۱۶ آذر- برای سفری دو روزه وارد عربستان شد و مورد استقبال مقامات سعودی قرار گرفت؛ سفری مهم برای هر دو کشور و منطقه که حاشیه‌هایش آن را برای ایران هم مهم کرد. حضور پینگ در دو نشست شورای همکاری خلیج فارس و سران کشورهای عربی و امضای بیانیه‌های این دو نشست که به نوعی دخالت در امور داخلی ایران و تمامیت ارضی کشور بود، واکنش برانگیز شد. در این بیانیه‌ها ادعاهایی درباره جزایر سه‌گانه ایران در خلیج فارس، برنامه هسته‌ای و روابط منطقه‌ای تهران مطرح شده بود.

■ **واکنش ایران به اقدام چین**

محتوای بیانیه‌های سران کشورهای عربی و شورای همکاری خلیج فارس، موضوع جدیدی برای ایران ندارد و بیشتر ادعاهایی است که پیش از این بارها تکرار و از سوی جمهوری اسلامی ایران رد شده است. آنچه بیانیه‌های جدید را واکنش‌برانگیز کرد نوع رفتار چین در قبال این بیانیه‌ها بود.

برخلاف انتقادات مطرح شده درباره عدم واکنش ایران به این رفتار، «حسین امیرعبداللهیان» وزیر امور خارجه در همان ساعات نخست امضای بیانیه، در توئیتی نسبت به آن موضع‌گیری کرد و نوشت: «جزایر سه گانه ابوموسی، تنب کوچک و تنب بزرگ در خلیج فارس، اجزای جدایی‌ناپذیر خاک پاک ایران است و به این مام میهن تعلق ابدی دارند. در ضرورت احترام به تمامیت ارضی ایران با هیچ طرفی تعارف نداریم.»

«ناصر کنعانی» سخنگوی وزارت امور خارجه هم با تأکید مجدد بر مواضع اصولی کشورمان، جزایر سه‌گانه ایرانی ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک را جزء لاینفک و ابدی سرزمین جمهوری اسلامی ایران دانست و گفت: جمهوری اسلامی ایران هرگونه ادعایی بر این جزایر را امری بی‌ثبات کننده، دخالت در امور داخلی و قلمرو سرزمینی خود دانسته و آن را بشدت محکوم می‌کند. کنعانی همچنین ضمن ابراز تعجب از درج برخی مطالب در بیانیه مشترک شورای همکاری خلیج فارس و چین یادآور شد: مذاکرات رفع تحریم‌های غیرقانونی، منحصر به موضوع هسته‌ای ایران و با طرف‌های شناخته شده بوده و تجربه نشان داده در همان مسیر می‌تواند پیش برود.

مضافاً آنکه جمهوری اسلامی ایران همیشه برای دستیابی به یک توافق منصفانه و پایدار در این مسیر آماده بوده و هست.

وزارت امور خارجه همچنین با دعوت از سفیر چین به وزارت امور خارجه و چندین بار تماس تلفنی با سفیر چین، مراتب ناخرسندی ایران از ورود بیانیه مذکور به موضوع تمامیت ارضی را ابراز و تأکید کرد که جزایر سه‌گانه ایرانی خلیج فارس جزء لاینفک تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران است که مانند هر بخش دیگر از سرزمین ایران هرگز موضوع مذاکره با هیچ کشوری نبوده و نخواهد بود.

کنعانی همچنین روز دوشنبه و در نشست خبری خود در پاسخ به پرسش‌هایی در این زمینه گفت: «ایران هرگونه اتهامات بی‌اساس مندرج در بیانیه پایانی اجلاس ۴۳ سران شورای همکاری خلیج فارس با حضور مقام چینی را محکوم می‌کند، ما درخصوص موضوعات مرتبط با برنامه هسته‌ای کشورمان مطالب مندرج در این بیانیه را مردود اعلام می‌کنیم».

«محمد جمشیدی» معاون سیاسی دفتر رئیس‌جمهور هم در حساب توئیتری خود نوشت: همکاران چینی به یاد داشته باشند که وقتی سعودی و امریکا از گروه‌های تروریستی داعش و القاعده در سوریه حمایت کردند و با تجاوز نظامی وحشیانه یمن را ویران کردند، این ایران بود که با تروریست‌ها جنگید تا ثبات و امنیت در منطقه مستقر شود و تروریسم به شرق و غرب تسری نیابد.» بسیاری از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مدیران دولتی و وزرا و دیگر مسئولان کشوری و لشکری و کارشناسان و تحلیلگران نسبت به این رفتار پکن در قبال ایران واکنش نشان دادند. بیشنیه این واکنش‌ها، گرچه انتقادی و البته درست بود اما میانه دعوا برخی از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی منتقد دولت هم تلاش کردند تا «نرخ» تعیین کنند و علیه دولت تیتر و توئیت بزنند.

■ **اقتضائات سیاست خارجی در نظم جدید بین‌الملل**

رفتار پینگ در ریاض، گرچه برای بسیاری در داخل ایران عجیب و حتی شوک‌آور بود اما اقتضائات جدید در روابط بین‌الملل، این رفتار را تا حدود زیادی قابل تحلیل می‌کند. در این اقتضائات جدید، دو کشور می‌توانند همکاری‌های استراتژیک با هم داشته باشند اما این لزوماً به معنای همسویی کامل در همه امور نخواهد بود.

در این نظام بین‌الملل تازه که همه جهان است. واقعیت غیرقابل انکار دیگر آن است که چین به‌عنوان دومین مصرف‌کننده بزرگ انرژی در دنیا و سومین واردکننده نفت خام در جهان، خاورمیانه را به چشم منبع ناتمام این مواد حیاتی می‌نگرد و برای ارزان تمام شدن هر بشکه از این نفت خام، که منجر به افزایش منافع ملی پکن می‌شود، خوش‌رقصی‌هایی هم در برنامه خواهد داشت.

این در حالی است که روز گذشته سخنگوی وزارت خارجه چین گفت: چین و ایران دوستی دیرینه‌ای دارند و به اتفاق هم تصمیم گرفتند شراکت جامع راهبردی‌شان را تحکیم کرده و ارتقا دهند. چین آماده افزایش ارتباطات و هماهنگی‌ها با ایران برای ایجاد پیشرفت بیشتر در روابط دوجانبه است. دو طرف برنامه‌ای برای همکاری جامع چین-ایران امضا کرده‌اند که اجرای آن اوایل امسال آغاز شد. چین با ایران برای رشد خوب و پایدار همکاری‌های عمل‌گرایانه تلاش خواهد کرد.

وی همچنین با اشاره به سفر معاون نخست‌وزیر چین به «ایران» گفت: سفر هو چون هوا، معاون نخست‌وزیر به ایران، امروز آغاز می‌شود. ما بر این باوریم که این سفر نقش مثبتی در تعمیق شراکت جامع راهبردی ایران-چین خواهد داشت.

اظهارات مقامات دو کشور نشان‌دهنده این است که تقویت مناسبات ایران و چین به‌عنوان دو قدرت بزرگ در دستور کار قرار دارد و امید است سفر هیأت بلندپایه چینی به تهران مهر تأییدی بر تعمیق و گسترش روابط میان دو کشور باشد، به همین دلیل باید گفت که این اتفاقات پیش آمده نمی‌تواند براحتی به اراده رهبران ایران و پکن برای توسعه روابط سازنده لطمه وارد کند.

مبتنی بر افزایش حداکثری منافع ملی است، گلایه و عصبانیت و واکنش‌های احساسی نه تنها راه به جایی نخواهد برد که سد راه ارتباط خواهد بود. برپایه همین اقتضائات است که عربستان سعودی پس از طلاق عاطفی! از ایالات متحده امریکا، قراردادهای نجومی با رقیب واشنگتن بسته و زیرپای پینگ، فرش قرمز پهن می کند.

بر اساس همین اقتضائات است که دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران هم در کنار واکنش متناسب با این رفتار چین، آینده قراردادها و تبادلات تجاری و تعاملات سیاسی خود را قربانی یک رفتار خاص در یک مقطع نکرده و به این روابط نگاه درازمدت دارد. این نظم جدید بین‌الملل، چین، منطقه و قاره آسیا را تعیین‌کننده‌ترین نقاط جهان در معادلات آینده نشان می‌دهد و از این روست که بسیاری از نگاه‌ها به آسیا و رویدادهای آن است.

به دلیل همین اقتضائات است که چینی‌ها پس از اقدام اخیر رئیس‌جمهور پینگ در ریاض، در تلاش برای جبران آن تصریح می‌کنند که نه روابط چین-شورای همکاری خلیج فارس و نه روابط چین-ایران علیه هیچ طرف سومی نیست و چین از بهبود روابط کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با ایران بر اساس اصل همسایگی خوب، برقراری همکاری برد-برد با ایران و پیشبرد توسعه و ثبات در خلیج فارس حمایت می‌کند.

■ **چرا چین چنین می‌کند؟**

در ارزیابی رفتار چین در قبال ایران باید متغیرهایی از واقعیات موجود را در نظر گرفت. واقعیت آن است که کرونا پکن را از برنامه‌های اقتصادی خود عقب انداخت و از همین روست که ابتدا در تقلای کنترل این ویروس و بعد در تلاش برای جذب هر «یوانی» است که می‌تواند به اقتصادش وارد شود. موافقتنامه همکاری جامع استراتژیک با عربستان سعودی و امضای قراردادی که ارزش آن ۳۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود، در راستای همین آغوش باز پکن برای

> **برخلاف تمام تبلیغات منفی علیه دولت، دستگاه دیپلماسی بهتر از هر ناظر و تحلیلگر و ژورنالیست و فعال توئیتری می‌داند که در روابط بین‌الملل امروز، آنچه بیش و پیش از هرچیزی اهمیت دارد و ارجح بر تمام ترجیحات است، «منافع ملی» و اقتضائات و الزامات آن است. در راستای رعایت و حراست از همین منافع هم هست که دولت تلاش می‌کند رفتاری معقول در برخورد با رفتار چین داشته باشد. این نگاه کلان به روابط بین‌الملل از یک سو و تلاش برای بهره‌گیری از توان داخلی از سوی دیگر، استراتژی تغییرناپذیر دولت سیزدهم است، حتی اگر منتقدانش نتوانند آن را درک کنند**

■ **قیصریه را به آتش نکشید!**

رفتار اخیر پکن در قبال تهران، حکم دستمالی را دارد که منتقدان دولت برایش قیصریه‌ای را به آتش می‌کشند و این درحالی است که پکن همراه روزهای سخت تهران هم بوده است. گرچه این سخن به معنای عبور از خطوط قرمز تمامیت ارضی و اصول سه‌گانه عزت و حکمت و مصلحت نیست اما میانه هیاهوی موجود نباید فراموش کرد که چین در دوره‌های اخیر مذاکرات رفع تحریم‌ها، در قطعنامه‌های اخیر شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه جمهوری اسلامی، در قطعنامه ادعایی حقوق بشری کشورهای غربی، همواره موضع حمایتی از ایران داشته است. حجم تبادلات دو کشور در برنامه‌ریزی‌های انجام شده، قابلیت ارتقا به ۲۰ میلیارد دلار را هم دارد و چین شریک استراتژیک ایران در عبور از تحریم‌های نفتی و غیرنفتی بوده است. سند همکاری ۲۵ ساله با این کشور هم می‌تواند همان پیشرانی باشد که لکوموتیو توسعه ایران را به شتاب بیشتری وادار سازد، این در حالی است که به گفته دیپلمات‌های کشورمان، رقم تبادلات اقتصادی غیرنفتی دو طرف به رقم ۲۰ میلیارد دلار در سال جاری افزایش یافته است که تا آخر سال به ۳۰ میلیارد دلار هم خواهد رسید.

بررسی رویدادهای یک هفته اخیر بدون در نظر گرفتن این واقعیات، تحلیل چندان درست، منصفانه و معقولی از آنها را در پی نخواهد داشت. واکنش‌های احساسی به واقعیت‌های موجود در جهان همراه با کینه‌ورزی به دولتی که تنها جرمش بی‌اعتمادی به اروپا و امریکاست، چندان راهگشای شرایط موجود نخواهد بود و منتقدان باید تکلیف این گزاره‌ها را روشن کنند که چرا چرخش به غرب درست و اصولی اما چرخش به شرق اشتباه و ساده‌لوحی است؟ چرا اجرای قراردادی که تنها تضمین آن امضای وزیر خارجه امریکا بوده، صحیح و در راستای منافع ملی است و امضای قراردادی راهبردی و قاعده‌مند با چین، اشتباه و وادادگی؟! چرا همراهی عربستان سعودی و انعقاد قرارداد استراتژیک با چین اقدامی آینده‌نگرانه ارزیابی می‌شود و امضای همین قرارداد از سوی ایران، مستعمره شدن؟ چرا با تجربه‌هایی مانند کودتای مرداد۳۲، جنگ تحمیلی، تحریم‌های کمرشکن و خروج یکجانبه از برجام، کاخ سفید همچنان لایق بخشش و مذاکره است اما امضای بیانیه‌ای در شرایط خاص از سوی چین، مستحق مجازاتی شدید؟ چرا اعتراض به سفارت انگلیس به‌دلیل آشوب‌افکنی واضح در کشور، خامی! اما فراخوان تعرض به سفارت چین اقدامی عملگرایانه و مطابق منافع ملی است؟ و در نهایت چرا «نگاه به شرق» از سوی دولت سیزدهم اشتباهی مهلک! اما «نگاه به غرب» از سوی دولت‌های مطبوع آنان کیمیای سعادت! تعریف می‌شود؟

تأکید دوباره بر این مهم که دولت، وزارت امور خارجه و مجموعه نظام جمهوری اسلامی این رفتار چین را برنتابیده و واکنش درخور و متناسب با آن خواهند داشت، ضرورتی ندارد اما برای منتقدان ضروری است تا این دست از تناقضات موجود را در استدلال خود توضیح دهند تا مشخص شود مسأله آنها احساس نگرانی برای تمامیت ارضی نیست.

■ **دولت به چه چیزی متهم است؟**

تغییر اولویت‌ها در روابط بین‌الملل، گرچه موضوعی معمول در تمام کشورهاست اما از شهریور ۱۴۰۰ که آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی، کار خود را در مقام رئیس‌جمهور آغاز کرد، این رویه معمول مورد هجمه منتقدانش قرار گرفت.

دولت سیزدهم متهم است که چرا در روابط بین‌الملل معطل امریکا و ترویکای اروپا ننشسته و تمام تخم‌مرغ‌های سیاست خارجی خود را در سبد هتل وین قرار نداده است؟! دولت متهم است که چرا منافع ایران را در اکو و شانگهای و بریکس جست‌وجو کرده و چرا نگاه ویژه به ظرفیت‌های منطقه و همسایگان داشته است.

این اتهامات درحالی صورت گرفته است که دولت به‌عنوان مجری اداره کننده کشور باید می‌توانست نفت خود را بفروشد، نفتی که چین خریدارش بود، باید راه ارتباطی خود را از سمرقند، آستانه و دوشنبه می‌ساخت تا تحریم‌های امریکا نتواند آن را مسدود کند، باید با بغداد، باکو و آنکارا از در مصلحت و آرامش و خویشتنداری درمی‌آمد تا رژیم صهیونیستی نتواند بیش از این همسایگان ایران را دستاویز دشمنی خود با ایران قرار دهد.

با این همه و برخلاف تمام تبلیغات منفی علیه دولت، دستگاه دیپلماسی بهتر از هر ناظر و تحلیلگر و ژورنالیست و فعال توئیتری می‌داند که در روابط بین‌الملل امروز، آنچه بیش و پیش از هرچیزی اهمیت دارد و ارجح بر تمام ترجیحات است، «منافع ملی» و اقتضائات و الزامات آن است.
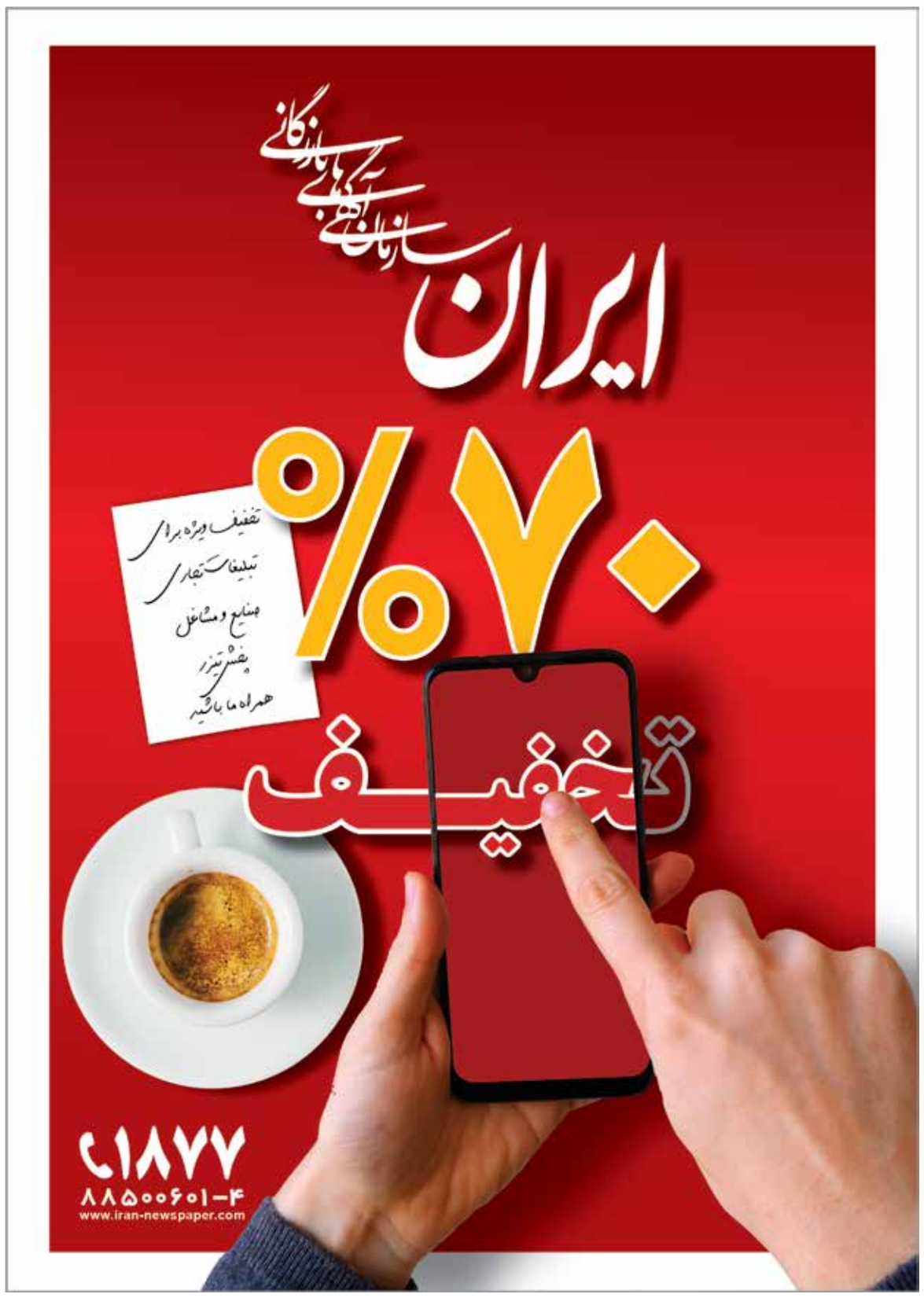
در راستای رعایت و حراست از همین منافع هم هست که دولت تلاش می‌کند رفتاری معقول در برخورد با رفتار چین داشته باشد. این نگاه کلان به روابط بین‌الملل از یک سو و تلاش برای بهره‌گیری از توان داخلی از سوی دیگر، استراتژی تغییرناپذیر دولت سیزدهم است، حتی اگر منتقدانش نتوانند آن را درک کنند.